

Drive
Eat
Explain
Fall
Fill
Find
Finish
Fit
Fix
Fly
Forget
Give
Go
Have
Hear
Hurt
Know
Learn
Leave
Listen

رانندگی کردن
خوردن
توضیح دادن
افتادن
پر کردن
پیدا کردن
تمام کردن
جا دادن
درست کردن
پرواز کردن
فراموش کردن
دادن
رفتن
داشتن
شنیدن
زخمی شدن
دانستن
یاد گرفتن
ترک کردن
گوش کردن

Accept
Allow
Ask
Believe
Borrow
Break
Bring
Buy
Can/ Be able
Cancel
Change
Clean
Comb
Complain
Cough
Count
Cut
Dance
Draw
Drink

پذیرفتن
اجازه دادن
پرسیدن
باور کردن
قرض گرفتن
شکستن
آوردن
خریدن
توانستن
منتفی کردن
تغییر دادن
تمییز کردن
شانه کردن
شکایت کردن
سرفه کردن
شمردن
بریدن
رقصیدن
کشیدن
نوشیدن

Sing
Sit
Sleep
Smoke
Speak
Spell
Spend
Stand
Start/Begin
Study
Succeed
Swim
Take
Talk
Teach
Tell
Think
Translate
Travel
Try

آواز خواندن
نشستن
خوابیدن
سیگار کشیدن
صحبت کردن
هجی کردن
پرداختن
ایستادن
شروع کردن
درس خواندن
موفق شدن
شنا کردن
گرفتن
صحبت کردن
یاد دادن
گفتن
فکر کردن
ترجمه کردن
سفر کردن
امتحان کردن

www.konkur.in

Live
Look
Lose
Make/Do
Need
Open
Organise
Close/Shut
Pay
Play
Put
Rain
Read
Reply
Run
Say
See
Sell
Send
Sign

زندگی کردن
دیدن
گم کردن
انجام دادن
احتیاج داشتن
باز کردن
منظم کردن
بستن
پرداختن
بازی کردن
قرار دادن
باریدن
خواندن
پاسخ دادن
دویدن
گفتن
دیدن
فروختن
فرستادن
امضا کردن

پایان لغات بخش مقدماتی

Turn off

Turn on

Type

Understand

Use

Wait

Wake up

Want

Watch

Work

Worry

Write

Waste

Wonder

Worship

Win

Wear

Wash

Wish

Welcome

خاموش کردن

روشن کردن

تایپ کردن

فهمیدن

استفاده کردن

صبر کردن

بیدار شدن

خواستن

نگاه کردن

کار کردن

نگران شدن

نوشتن

هدر رفتن

تعجب کردن

عبادت کردن

برنده شدن

پوشیدن

شستن

دلخواه

خوش آمد گویی

refute (v)
bloom (n,v)
expertise (n)
illuminate (v)
heritage (n)
encounter (n,v)
accelerate (n,v)
exhibit (v)
summit (n)
mediocre (adj)
drawback (n)
challenge (n,v)
foster (v)
enhance (v)
credible (adj)

رد کردن - نادرستی چیزی را ثابت کردن
شکوفایی - شادابی - شکوفه کردن
تخصص - مهارت - نظر کارشناس
روشن کردن - توضیح دادن - چراغانی کردن
میراث - یادگار
مواجه شدن - ملاقات اتفاقی - درگیری
سرعت بخشیدن - کاتالیزور - شتاب دادن
نمایش دادن - عرضه کردن - نشان دادن
اوج - قله - نشست سران
متوسط - معمولی - پیش پا افتاده
نقطه ضعف - ایراد - اشکال - عیب
چالش - مخالفت کردن - به مبارزه دعوت کردن
رواج دادن - پرورش دادن - بزرگ کردن (بچه)
بیشتر کردن - زیاد کردن - افزایش دادن
معتبر - باور کردنی - قابل قبول

chaos (n)
reluctance (n)
controversial (adj)
extant (adj)
scrutinize (v)
verify (v)
zenith (n)
lethal (adj)
cogent (adj)
culpable (adj)
discern (v)
luxuriant (adj)
antipathy (n)
recharge (v)
spontaneous (adj)

آشوب - هرج و مرج - نا آرامی - اغتشاش
بی میلی - اکراه - ناراضی
بحث برانگیز - مورد اختلاف - جنجالی
موجود - جاری - نافذ
با دقت کامل نگرستن - موشکافانه نگرستن
تایید کردن - تحقیق کردن - اثبات کردن
اوج - شکوفایی - سمت الرأس
مرگ آفرین - مهلک - مرگبار - کشنده
متقاعد کننده - مجاب کننده - مستدل
مقصر - مجرم - گناهکار - ناشی از قصور
تشخیص دادن - پی بردن - فهمیدن
انبوه - لوکس - مجلل - حاصلخیز - فراوان
بیزاری - انزجار - تنفر
دوباره پر کردن - شارژ مجدد
خود به خود - خود جوش

inflexible (adj)
rudimentary (adj)
feign (v)
endeavor (v,n)
synchronize (adj)
chronicle (n,v)
conviction (n)
abate (v)
vanish (v)
dissent (n,v)
motivate (v)
trivial (adj)
hyperbole (n)
heterogeneous (adj)
initial (n,v,adj)

www.konkur.in

خشک - سخت - استوار - تانهدنی
مختصر - ابتدایی - اساسی - رشد نیافته
تظاهر کردن به - سرهم کردن - بافتن
سعی کردن - کوشیدن - تلاش کردن - تلاش
همزمان - هماهنگ
رویدادشمار - نقل کردن - ثبت کردن
محکومیت - اعتقاد - ایمان - سندیت
فروکش کردن - کاهش یافتن - برطرف کردن
ناپدید شدن - نابود شدن - از بین رفتن
مخالفت - مخالف بودن - پیروی نکردن
برانگیزاندن - به شوق آوردن - ترغیب کردن
جزئی - ناچیز - معمولی - سطحی
اغراق - گزاف - لاف (ادبیات)
ناهمگون - غیرمتجانس
نخستین - اولین - مقدماتی

forum.konkur.in

haphazard (adj)
fiasco (n)
enigma (n)
precede (v)
proceed (v)
dexterity (n)
pinpoint (n,v)
excessive (adj)
devote (v)
convey (v)
condemn (v)
dispersal (n)
multiform (adj)
abet (v)
confirm (v)

بی نظم - درهم - اتفاقی - تصادفی

شکست کامل - آبروریزی - افتضاح

مدرسین شریف
پیشرفت و مکتب

معما - راز - سخن پیچیده

مقدم بودن بر - جلوتر واقع شدن

ادامه دادن - پیش رفتن - شروع کردن

مهارت - چیره دستی - چالاکی

با دقت اشاره کردن به - چیز کوچک

بیش از حد - افراطی - زیادی

وقف چیزی کردن - صرف چیزی کردن

منتقل کردن - رساندن - فهماندن - فرستادن

محکوم کردن - سرزنش کردن - لو دادن

مدرسین شریف
پیشرفت و مکتب

پخش - انتشار - پراکندگی

چند گونه - چند شکل - چند ریخت

شریک جرم کسی شدن - برانگیختن کسی

تایید کردن - تصدیق کردن - تصویب کردن

jeopardize (v)
impede (v)
opulence (n)
sturdy (adj)
immense (adj)
obese (adj)
emancipate (v)
ritual (adj,n)
confront (v)
extinguish (v)

www.konkur.in

به خطر انداختن - به مخاطره انداختن

جلوگیری کردن از - مانع (کسی / چیزی) شدن

ثروت - رفاه - ناز و نعمت - شکوه - جلال

زورمند - مقاوم - خوش هیکل - مصمم

بسیار بزرگ - عظیم - بی اندازه

بسیار چاق - فربه

آزاد کردن - نجات دادن - رهایی بخشیدن

مناسک - آئین - آداب - عبادی - مراسم

رو در رو شدن - رو به رو کردن - مقابله با

خاموش کردن - پاک کردن - نابود کردن

forum.konkur.in

مانع شدن از - جلوگیری کردن - نادیده گرفتن

exclude (v)

ذره ذره جمع کردن - برداشت کردن

glean (v)

ولخرج - اسراف کار - افراطی - پرخرج

extravagant (adj)

تسکین دادن - آرام کردن - کاهش دادن

alleviate (v)

عقب رفتن - فروکش کردن - کاهش یافتن

recede (v)

به تردید افتادن - به لگنت افتادن - خراب شدن

falter (v)

هلاک شدن - تلف شدن - فاسد شدن - پوسیدن

perish (v)

حرف - پر حرف - وراج

voluble (adj)

توضیح دادن - ماهرانه - دقیق - مفصل

elaborate (adj,v)

مداخله کردن - دخالت کردن

intervene (v)

amalgam (n)

ratify (v)

abridge (v)

sarcasm (n)

discrepancy (n)

reverie (n)

implicit (adj)

unprecedented (adj)

remorse (n)

deviate (v)

www.konkur.in

آلیاژ جیوه - مخلوط - ترکیب - معجون

تصویب کردن - تصدیق کردن - تایید کردن

خلاصه کردن - کوتاه کردن - محروم کردن

طعنه - گوشه و کنایه - تمسخر - طنز

اختلاف - تفاوت - عدم توافق

عالم خیال - عالم رویا - خیال پردازی

ضمنی - تلویحی - مطلق - بی چون و چرا

بی سابقه - بی نظیر - فوق العاده

مدرسین شریف

وبسایت تخصصی آموزش و تدریس

پشیمانی - ندامت

منحرف شدن - دور شدن - دوری جستن

castigate (v)

www.konkur.in

تنبیه کردن - ادب کردن - سرزنش کردن

resign (v)

استعفا کردن از - چشم پوشیدن از

equivocal (adj)

دو پهلو - گنگ - مبهم - مشکوک - مرموز

harden (v)

سخت کردن - مقاوم شدن - خشن تر کردن

aggressive (adj)

پرخاشگر - تهاجمی - متجاوز - بی پروا

indifference (n)

بی اعتنائی - بی توجهی - بی تفاوتی

chagrin (n,v)

تاسف - تاجر - آزرده گی - مأیوس کردن

prosperous (adj)

موفق - مرفه - ثروتمند - پر رونق

elitism (n)

نخبه گرایی - نخبه سالاری

craven (adj)

ترسو - بی شهامت - بزدل - از روی ترس

efface (v)

blunder (v,n)

innate (adj)

jeopardy (n)

magnitude (n)

linger (v)

minge (v)

exceed (v)

painstaking (adj)

legend (n)

www.konkur.in

پاک کردن - محو کردن - فراموش کردن

دست گل به آب دادن - گاف - اشتباه فاحش

ذاتی - فطری - سرشتی

خطر - مخاطره

بزرگی - اندازه - اهمیت - شدت (زمین لرزه)

معطل کردن - طول کشیدن - کش دادن

مخلوط کردن - ترکیب کردن - گرم گرفتن (بادیگران)

فرا تر رفتن از - بیشتر بودن - تخطی کردن

دقیق - موشکافانه - پر زحمت

افسانه - اسطوره - شرح (نقشه)

به یاد آوردن - به یاد داشتن

recollect (v)

pretext (n)

بهاهه - عذر - دستاویز

Ingenious (adj)

مبتکر - خلاق - ابتکاری - ماهرانه

recast (v)

تغییر دادن - دگرگون کردن - بازنویسی کردن

adverse (adj)

نامطلوب - نامساعد - مخالف - مقابل

lucidity (n)

روشنی - وضوح - سلامت - شفافیت

triumph (v,n)

پیروزی - موفقیت - شادی کردن (بخاطر پیروزی)

spectacle (n)

منظره - مضحکه - (به صورت جمع) عینک

sluggish (adj)

کند - کم تحرک - بی حال - تنبل

cordial (n,adj)

دوستانه - صمیمانه - عمیق - شدید - گرم

timid (adj)

ترسو - بزدل - محتاط - محبوب

distinct (adj)

واضح - روشن - آشکار - متفاوت - بی تردید

reckless (adj)

بی احتیاط - بی ملاحظه - بی فکر - بی پروا

recount (v)

نقل کردن - شرح دادن - دوباره شمردن

accumulate (v)

جمع کردن - انباشتن - جمع شدن

assert (v)

اظهار داشتن - تاکید کردن - دفاع کردن

undermine (v)

تضعیف کردن - زیر پای (کسی را) خالی کردن

collusion (n)

تبانی - توطئه - همدستی

frugal (adj)

صرفه جو - مقتصد - کم (غذا) - مختصر

impenetrable (adj)

غیر قابل رسوخ - نفوذ نکردنی

astute (adj)

congenial (adj)

indefatigable (adj)

amenities (n)

appliances (n)

derive (v)

affable (adj)

sarcastic (adj)

interminable (adj)

hedonist (n)

www.konkur.in

زرنگ - زیرکانه - زبل - هوشمندانه

مطلوب - دلخواه - موافق - هم دل - مطبوع

خستگی ناپذیر - بی وقفه - نستوه

وسایل آسایش - امکانات رفاهی - تسهیلات

ابزار - وسیله - کاربرد - ماشین آتش نشانی

به دست آوردن - مشتق شدن - حاصل شدن

مهربان - بامحبت - خوش برخورد - دوستانه

کنایه دار - طعنه آمیز - نیشدار - طعنه زن

تمام نشدنی - ناپایدار - بسیار دراز

مدرسین شریف

روانشناسی از یادداشت‌های

لذتگرا - لذت جو

savant (n)

benefactor (n)

peculiar (adj)

specious (adj)

thorough (adj)

prevail (v)

pungent (adj)

plausible (adj)

refuge (n)

remnant (n)

آدم نیکوکار - خیر - حامی - بانی خیر

خاص - ویژه - عجیب و غریب - غیر عادی

ظاهر فریب - غلط انداز - درست نما

کامل - تمام عیار - دقیق

پیروز شدن - غلبه کردن - حاکم بودن

گزنده - تلخ - نیشدار - انتقادی - (مزه) تند

موجه - قابل قبول - معقول - (دروغگو) ماهر

پناه - پناهگاه - در امان

ته مانده - باقی مانده - بقیه - آثار

strive (v)

تلاش کردن - جنگیدن - مبارزه کردن

thrill (n,v)

هیجان زده کردن - لرزاندن - هیجان - ارتعاش

urbanity (n)

ادب - نزاکت - آداب دانی (زندگی شهری)

vicinity (n)

حول و حوش - اطراف - نزدیکی - مجاورت

fatigue (n,v)

خستگی - خسته کردن - از پا انداختن - بیگاری

endorse (v)

تایید کردن - پشت نویسی کردن - حمایت کردن

hinder (v)

مانع شدن - مزاحم شدن - سد راه شدن

postpone (v)

عقب انداختن - به تاخیر انداختن

seclude (v)

منزوی کردن - گوشه گیر کردن - خلوت کردن

indigent (adj)

تهی دست - مسکین - فقیر

magnanimous (adj)
stigma (n)
urge (v,n)
vacillate (v)
quake (n,v)
treacherous (adj)
prohibition (n)
prosecution (n)
embezzlement (n)
nominal (adj)

www.konkur.in

بخشنده - سخاوتمند - بزرگوار - سخاوتمندانه
لکه ننگ - ننگ - بدنامی - کالاه (گل)
اصرار کردن به - اشتیاق - تشویق کردن - میل
مردد بودن - دو دل بودن - نوسان داشتن
لرزیدن - لرزش - زمین لرزه
خائن - ریاکار - غیر قابل اعتماد - خطرناک
منع - بازداری - تحریم - ممنوعیت
تعقیب - شکایت - شاکی - پیگیری - اجرا
اختلاس - دزدی - پول به جیب زدن
ظاهری - ناچیز - اندک - صوری - اسمی

Tenable (adj)

unpretentious (adj)

assent (v,n)

devour (v)

affront (n,v)

inhibited (adj)

conducive (adj)

habitude (n)

ambivalent (adj)

conciliation (n)

www.konkur.in

قابل دفاع - پذیرفتنی - معقول - معتبر

ساده - خالی از تظاهر - فروتن - بی تکلف

موافقت - تایید - تصویب - قبول کردن - رضایت

بلعیدن - خوردن - (کاری را) باولع انجام دادن

توهین کردن به - بی احترامی کردن - آبروریزی

خجالتی - کم رو - معذب - ناراحت - فروخورده

سرچشمه - منشأ - مساعد - مناسب - منجرشونده

خلق و خو - خصلت - راه و رسم - عادت

مردد - دو دل - ضد و نقیض - دو سویه

دلجویی - آشتی - میانجی گری - رفع اختلاف

speculate (v)

arouse (v)

elicit (v)

virtue (n)

exacerbate (v)

notorious (adj)

enthusiastic (adj)

adept (n,adj)

artifact (n)

oversight (n)

www.konkur.in

تامل کردن - حدس زدن - دست به قمار زدن

برانگیختن - تحریک کردن - به خشم آوردن

بیرون کشیدن - استخراج کردن - استنباط کردن

فضیلت - مزیت - عفت - شرافت

بدتر کردن - تشدید کردن - برانگیختن

بدنام - انگشت نما - معروف

پر شور و شوق - علاقه مند - مشتاق - پر حرارت

ماهر - ماهرانه - استادانه - آدم خبره

مصنوع - شیء دست ساز

غفلت - نظارت - سرپرستی - سهو

renown (n)

رنجیدن از - دلخور شدن از - متنفر شدن از

resent (v)

علاقه - رغبت - میل وافر
مدرسین شریف

penchant (n)

rumour (n,v)

شایعه - شایع کردن - چو انداختن

uproarious(adj)

پر سر و صدا - قهقهه زنان - خنده آور - مضحک

sporadic (adj)

پراکنده - متفرق - گه گاهی - تک و توک

soothing (adj)

آرامش بخش - تسکین دهنده

rival (n,adj,v)

رقیب - حریف - رقابت کردن با - برابری کردن با

counterpart (n)

همتا - قرینه - نظیر - مکمل

salvage (n,v)

نجات - عملیات نجات - حفظ کردن

propel (v)

راندن - به پیش راندن - سوق دادن - کشاندن

fallacious (adj)

گمراه کننده - فریبنده - اشتباه - سفسطه آمیز

altruism (n)

گذشت - ایثار - از خود گذشتگی - بشر دوستی

compromise (n,adj)

توافق - سازش - مصالحه - حد وسط - بینابین

manipulate (v)

فریب دادن - گول زدن - تقلب کردن

demonstrate (v)

اثبات کردن - ابراز کردن - تظاهرات کردن

verbose (adj)

لفاظ - روده دراز - پرچانه - طولانی

lethargic (adj)

بی حال - کسل - افسرده کننده - خواب آلوده

forego (v)

صرف نظر کردن از - منصرف شدن از

inhabit (v)

ساکن شدن در - سکونت گزیدن در

aggravate (v)

aroma (n)

whim (n)

recognize (v)

emulate (v)

hail (n,v)

reject (v,n,adj)

stubborn (adj)

esteem (v,n)

forestall (v)

www.konkur.in

بدتر کردن - وخیم کردن - عصبانی کردن

مدرسین شریف

آموزش تخصصی زبان و نگارش

بوی خوش - عطر - رنگ و بو

هوس - ویر - ناگهانی - هوی و هوس

شناختن - تشخیص دادن - قبول کردن

تقلید کردن از - رقابت کردن با - پیروی کردن از

تگرگ - رگبار - بزرگ داشتن - گرامی داشتن

کالای مرجوعی - رد کردن - دور انداختن

یک دنده - لجاجت - نافرمان - سرسخت - جدی

احترام گذاشتن - ارج نهادن - ارزش قائل شدن

پیشدستی کردن بر - سبقت گرفتن از - مانع شدن

forum.konkur.in

penetrate (v)

www.konkur.in

شکافتن - سوراخ کردن - پی بردن به - فهمیدن

riddle (n,v)

معما - راز - غریب - سرند

peril (n,v)

خطر - مخاطره - به خطر انداختن

fragment (n,v)

تکه - جزء - قسمت - خرد شدن - متلاشی شدن

essential (adj,n)

ضروری - لازم - اساسی - مهم - فطری - ذاتی

fraudulent (adj)

جعلی - تقلبی - ساختگی - ریاکارانه

vulgar (adj)

زشت - بی نزاکت - بی ادب - عامیانه

exhilarate (v)

به وجد آوردن - مسرور کردن - به هیجان آوردن

hamper (v,n)

مانع شدن - جلوی چیزی را گرفتن - سب - زنبیل

perplex (v)

گیج کردن - سردرگم کردن - متحیر کردن

utilize (v)

counter (adj,v)

procure (v)

raise (v)

mediator (n)

apparatus (n)

reconcile (v)

endow (v)

validate (v)

superfluous (adj)

www.konkur.in

به کار بردن - استفاده کردن از - بهره بردن

مقابله کردن - حمله - شمارشگر - تلافی کردن

بدست آوردن - تهیه کردن - فراهم کردن

بالا بردن - افزایش دادن - افزایش حقوق

مدرسین شریف

رئیس کارکنان ارشد و دکتری

میانجی

دستگاه - ابزار - تجهیزات

آشتی دادن - خاتمه دادن - تطبیق دادن

بخشیدن - وقف کردن - هزینه چیزی را دادن

اعتبار بخشیدن به - اثبات کردن - تایید کردن

مدرسین شریف

رئیس کارکنان ارشد و دکتری

اضافی - غیر ضروری - زائد

concise (adj)

کوتاه - مختصر - فشرده

clandestine (adj)

سری - مخفیانه - زیر زمینی

deplete (v)

به اتمام رساندن - مصرف کردن - کاهش دادن

vindictive (adj)

کینه توز - انتقام جو - انتقام جویانه

illicit(adj)

غیر قانونی - غیر مجاز

squander(v)

تلف کردن - هدر دادن - از دست دادن

fraud (n)

تقلب - فریب - شیادی

encompass (v)

درببر گرفتن - گنجاندن - محاصره کردن

quandary (n)

سردرگمی - سرگردانی - بلا تکلیفی

deficiency (n)

کمبود - نقص - نارسایی - کسری

vorociously (adv)
envision (v)
diligent (adj)
redundant (adj)
accuse(v)
convict(v,n)
renovate (v)
demolish (v)
prohibit (v)
deficiency (n)

حریصانه - با ولع - به طور سیری ناپذیری

تصور کردن - مجسم کردن - پیش‌بینی کردن

سخت کوش - کوشا - مداوم - پیگیر

زیادی - مازاد بر احتیاج - بیکار - بی فایده

متهم کردن - نسبت دادن - مقصر دانستن

محکوم کردن - مجرم شناختن - مجرم - زندانی

نوسازی کردن - تعمیرات اساسی کردن

خراب کردن - کوبیدن - ویران کردن - بلعیدن

قدغن کردن - منع کردن - ممنوع کردن

کمبود - نقص - نارسایی - کسری

indifferent (adj)

fortify (v)

overlap (v,n)

compel (v)

merit (n,v)

realm (n)

industrious (adj)

indigenous (adj)

supplant (v)

thwart (v,n)

www.konkur.in

بی طرف - معمولی - بی اهمیت - بی توجه

تقویت کردن - مجهز کردن - قوت قلب دادن

تداخل داشتن - هم پوشانی کردن - تداخل

مجبور کردن - وادار کردن - تحمیل کردن

لیاقت داشتن - ارزش - استحقاق - شایسته

قلمرو - حوزه - حیطة - سرزمین

کوشا - سخت کوش - پرکار - جدی

بومی - ذاتی - فطری - طبیعی

جانشین (چیزی) کردن - به جای کسی نشاندن

ایجاد مانع کردن برای - قایق نیمکتی پارویی

devotion (n)

conformity (n)

prevalence (n)

contentious (adj)

adjacent(adj)

varnish (n,v)

hurdle (n,v)

extent (n)

divergence (n)

unanimous (adj)

www.konkur.in

ایثار - از خود گذشتگی - فداکاری - محبت

پیروی - انطباق - سازگاری - دنباله روی

شیوع - رواج - عمومیت

رسانه های آموزشی آرشاد و دکتری

ستیزه جو - جنجالی - اهل جر و بحث

جنب - نزدیک بهم - مجاور - همسایه

جلا - لاک ناخن - برق انداختن - جلا دادن

مانع - دشواری - مشکل - بر مشکلی چیره شدن

گسترده گی - وسعت - دامنه - طول - اندازه

فاصله - دوری - انحراف - تفاوت - واگرایی

هم رای - هم عقیده - یکپارچه - متفق

انتقال دادن - انتقال - واگذار کردن - فروختن

تبدیل کردن - تبدیل شدن

مدرسین شریف

رشته های مختلف از استاد و مدرسین

نهایی - بعدی - متعاقب

فاش کردن - منتشر کردن - بروز دادن

شکوفای شدن - رشد کردن - تکان - حرکت تند

انجام دادن - به نتیجه رساندن - به اتمام رساندن

تکامل یافتن - تحول یافتن - ابداع کردن

رهبری - سلطه - برتری - سیطره

نسبت دادن - صفت - ویژگی - ناشی دانستن از

تبدیل کردن - نودین - تازه مذهب - تغییر دادن

transfer (n,v)

transmute (v)

eventual (adj)

divulge (v)

flourish (v,n)

accomplish (v)

evolve (v)

hegemony (n)

attribute (v,n)

convert (v,n)

ruthless (adj)

ظالم - بی رحم - سنگدل - ظالمانہ

prevalent (adj)

رایج - متداول - شایع [بیماری]

prominent (adj)

برجستہ - برآمدہ - مشہور - صاحب نام

profound (adj)

عمیق - ژرف - سنگین - فہیم - صادقانہ

domination (n)

سلطہ گری - تسلط - برتری - نفوذ - غلبہ

toxic (adj)

سمی - مسموم کننده

monotonous (adj)

یکنواخت - خستہ کننده - ملال آور

triangle (n)

مثلث - سه گوش - گروه سه نفرہ - گونیا

luxurious (adj)

مجلل - لوکس - شیک - پر ہزینہ - تجملی

warily (adv)

با احتیاط - با نگرانی - با حالت بیمناک

ascertain (v)

www.konkur.in

تحقیق کردن - پرس و جو کردن - پی بردن

impure (adj)

آلوده - کثیف - زشت - ناخالص - هرزه

periphery (n)

حاشیه - کنار - اطراف

fastidious (adj)

مشکل پسند - سخت گیر - وسواس

advent (n,adj)

ظهور - پیدایش - ورود - ظهور مجدد مسیح

acclaim (v,n)

تحسین - تشویق - ابراز احساسات - هورا

judicious (adj)

معقول - عاقلانه - حساب شده - عاقل - باشعور

discreet (adj)

با احتیاط - با ملاحظه - با فکر - محرمانه

brazen (adj)

گوش خراش - پر رو - بی شرمانه - برنجی

assimilate (v)

جذب کردن - درک کردن - جذب شدن

mitigate (v)

candidly (adv)

devastate (v)

legitimization (n)

objective (n,adj)

restoration (n)

property (n)

annihilate (v)

disperse (v)

anomaly (n)

تخفیف دادن - جبران کردن - تسکین دادن

رک و راست - صاف و پوس کنده - با صراحت

ویران کردن - تخریب کردن - نابود کردن

مشروعیت - مشروعیت بخشیدن - قانونی ساختن

واقعی - واقع بینانه - بی غرض - هدف

استرداد - بازگشت - بهبود - ترمیم - اصلاح

دارایی - اموال - مالکیت - خواص - وسائل

نابود کردن - منهدم ساختن - شکست دادن

متفرق کردن - پخش شدن - تجزیه کردن

بی قاعدگی - بی نظمی - نابهنجاری - غیر عادی

paramount (adj)
plight (n)
decree (n,v)
succession (n)
detach (v)
commence (v)
allude (v)
subside (v)
articulate (adj,v)
indecent (adj)

www.konkur.in

مهم - بسیار مهم - فوق العاده - ارشد

مخمسه - گرفتاری - مصیبت - بدبختی

فرمان - حکم - دستور - مقدر کردن - فتوا

توالی - ردیف - رشته - (حق) جانشینی

باز کردن - جدا کردن - ترک کردن - اعزام کردن

شروع کردن - آغاز کردن - شروع شدن

اشاره کردن به - اظهار داشتن

فروکش کردن - آرام تر شدن - ساکت تر شدن

واضح - رسا - گفتن - بیان کردن - بند بند

زشت - مبتذل - بی حیا - بی شرم - نامحترمانه

forum.konkur.in

delineate (v)

www.konkur.in

تعیین کردن - ترسیم کردن - مشخص کردن

compliance (n)

اطاعت - پیروی - موافقت - تسلیم - رضایت

assimilate (v)

جذب کردن - فهمیدن - جذب شدن - درک کردن

heedless (adj)

بی‌اعتنا - بی‌توجه

expenditure (n)

هزینه - خرج - مخارج - مبلغ صرف شده

covet (v)

مشتاق بودن - غبطه خوردن به - حسرت خوردن

depict (v)

تصویر کردن - نشان دادن - توصیف کردن

cursory (adj)

سرسری - شتابزده - سطحی - گذرا - اجمالی

legacy (n)

ارث - میراث - یادگار - یادبود - بازمانده

surplus (n,adj)

مازاد - مانده - اضافی - باقی مانده

attest (v)

remiss (adj)

impetus (n)

coincide (v)

revival (n)

induce (v)

conceive (v)

sustainable (adj)

engrossed (adj)

disallow (v)

www.konkur.in

اثبات کردن - گواهی کردن - تأیید کردن

فراموش کار - اهمال کار - فراموشکارانه

تحرك - جنبش - انگیزه - نیرو

منطبق بودن - همزمان بودن - سازگار بودن

احیا - تجدید قوا - تجدید
مدرسین شریف
گروه تخصصی ارشد و دکتری

ترغیب کردن - واداشتن - باعث شدن

تصور کردن - باور کردن - طراحی کردن

قابل دوام - پایدار - ادامه پذیر

مجذوب - غرق

رد کردن - مردود دانستن - قبول نکردن

expound (v)

توضیح دادن - شرح دادن - تشریح کردن

sustain (v)

نگه داشتن - حفظ کردن - پیگیری کردن

apparatus (n)

دستگاه - ابزار - وسائل - تجهیزات

eradicate (v)

ریشه کن کردن - از بین بردن

disembark (v)

پیاده شدن - پیاده کردن - بار تخلیه کردن

terminate (v)

پایان دادن - خاتمه دادن - متوقف کردن

comply (v)

اطاعت کردن - پیروی کردن

impulsive (adj)

ضربه‌ای - شتابزده - نسنجیده - بی مقدمه

designate (adj,v)

برگزیده - مشخص کردن - تعیین کردن - نامزد

antecedent (adj,n)

قبلی - پیشین - مرجع - مقدم - سابقه

adherence (n)
discord (n)
retard (v,n)
undermine (v)
binary (adj,n)
unaccustomed (adj)
analogy (n)
criterion (n)
demarcate (v)
dominate (v)

وفاداری - هواداری - پشتیبانی - تبعیت

اختلاف - ناسازگاری - دعوا - ناهنجار

کند کردن - به تاخیر انداختن - عقب مانده

تضعیف کردن - زیر پای کسی را خالی کردن

دوگانه - جفتی - دوتایی - مضاعف

مدرسین شریف
ریاست تخصصی ارشد و دکتری

غیر عادی - غیر معمول - غریب

شبهات - همانندی - مقایسه - تمثیل - قیاس

ملاک - معیار - ضابطه - محک

محدود کردن - مشخص کردن - جدا کردن

مسلط بودن - تسلط داشتن - غالب بودن

devoid (adj)

accession (n)

endowment (n)

impediment (n)

simulate (v)

announce (v)

forthcoming (adj)

synopsis (n)

convention (n)

circumstances (n)

www.konkur.in

فاقد چیزی بودن - عاری از چیزی بودن

رسیدن - دستیابی - رضایت - توافق

وقف - اهدا - استعداد - نعمت - اعطا

مانع - مشکل - سد راه - نقص - اختلال

شبیه‌سازی کردن - تظاهر کردن - تقلید کردن

اعلام کردن - اطلاع دادن - آگهی کردن

در دست انتشار - زیر چاپ - آینده - در دسترس

خلاصه - چکیده - خلاصه داستان

مجمع - کنگره - سنت - عرف - قاعده - قرارداد

شرایط - اوضاع - علل - اتفاق - حادثه - رویداد

سرزنش کردن - توبیخ کردن - سرزنش - ملامت

تسلیم کردن - تسلیم شدن - پذیرفتن - تسلیم

مات - کدر - تار - مشکل - مبهم

سیر - پر - مملو - مجهز به
مدرسین شریف
رشته های پزشکی از حد و دکتری

شیب - خمیدگی - استعداد - تمایل - گرایش

با دلیل و مدرک اثبات کردن

فاصله - دوری - انحراف - تفاوت - واگرایی

جهت یابی کردن - هدایت کردن - عبور دادن

یافتن - پیدا کردن - پس گرفتن - بازیابی کردن

پراکنده - نامتراکم - تنک

rebuke (n,v)

surrender (n,v)

opaque (adj)

replete (adj)

inclination (n)

substantiate (v)

divergence (n)

navigate (v)

retrieve (v)

sparse (adj)

authenticity (adj)

فراگیر - پراکنده - منتشر شده - رایج - حاکم

pervasive (adj)

حق دادن به - عنوان گذاشتن - اجازه دادن به

entitle (v)

مدرسان شریف

برعکس

conversely (adv)

رنگ بسته فارسی ارشد و دکتری

محل تلاقی - نقطه تلاقی - تلاقی

confluence (n)

محدود کردن - مقید کردن

circumscribe (v)

نگه داشتن - افشا نکردن - خودداری کردن

withhold (v)

در خور - متناسب - شایسته - مناسب

congruous (adj)

عقلانی - منطقی - عاقل - اهل استدلال

rational (adj)

مناسبترین - بهترین - بهینه

optimal (adj)

liquidate (v)

predispose (v)

withstand (v)

garner (v)

degenerate (v,n)

nominate (v)

defect (v,n)

ingredient (n)

frontier (n,adj)

threshold (adj)

www.konkur.in

واريز کردن - تسويه کردن - منحل کردن

متمایل کردن - علاقه مند کردن - آماده کردن

مقاومت کردن در مقابل - تاب آوردن در مقابل

گردآوری کردن - جمع آوری کردن - انباشتن

فساد - سقوط - فاسد شدن - خراب شدن - تباهی

منصوب کردن - معرفی کردن - نامزد (نظامی) کردن

نقص - عیب - فرار کردن - پناهنده شدن

جزء سازنده - عنصر - عامل - مولفه - جزء

مرز - مرزی - سرحدی

آستانه - حد نصاب

مدرسین شریف

وبسایت آموزشی آرشدو کنکور

upshot (n)

disposal (n)

mediate (v)

specify (v)

deplore (v)

potent (adj)

tremendous (adj)

celebrated (adj)

compulsion (n)

contention (n)

انهدام (زبالہ و غیرہ) - خشی سازی (بمب) - اختیار

میانجی گری کردن - وسیلہ - واسطہ قرار گرفتن

مشخص کردن - تصریح کردن

اظہار تاسف کردن از، محکوم کردن

قوی - قدرتمند - موثر - استدلال محکم

فوق العادہ - خیلی زیاد - برجستہ - وحشتناک

مشہور - نامدار - سرشناس - معروف

زور - فشار - اجبار - وسوسہ - اشتیاق

رقابت - مبارزہ - نظر - مشاجرہ - جروبحت

bearing (n)

testimony (n)

proximity (n)

confound (v)

expire (v)

collaborate (v)

embody (adj)

vice versa (adv)

lamentation (n)

discretion (n)

www.konkur.in

حالت - وضع - رفتار - ارتباط - (حاوی چیزی)

شهادت - قول - گواهی - اظهار

نزدیکی - مجاورت - همسایگی

متعجب کردن - گیج کردن - شکست دادن

منقضی شدن - سپری شدن - اعتبار تمام شدن

همکاری کردن - همدست بودن

مظهر چیزی بودن - بیان کردن - تجسم چیزی بودن

مدیرستان شریف
رئیس هیئت تدریسی ارشد و دکتری

برعکس - بلعکس

سوگواری - گریه و زاری

احتیاط - ملاحظه - شعور - اختیار - رازداری

retrospective (adj)
resilience (n)
allege (v)
species (n)
aggregate (n,adj)
embark (v)
prelude (n)
manifestation (n)
flaw (n,v)
per se (adv)

مربوط به گذشته - ناشی از گذشته
انعطاف پذیری - مقاومت - کشسانی
ادعا کردن - اظهار داشتن - متهم کردن
گونه - نوع
جمع - کلی - مجموعاً - حاصل - مجموعه
سوار شدن (کشتی و هواپیما) - بار زدن
مقدمه - سر آغاز - پیش در آمد
ابراز - اظهار - نشانه - مظهر - تجسم
عیب - نقص - ضعف - معیوب کردن - ناقص کردن
فی النفسه - به خودی خود - به تنهایی

ad hoc (adj,adv)

vis a vis (...)

per capita (adj,adv)

segment (n,v)

cumulative (adj)

liability (adj)

flout (v)

sanction (n,v)

fatal (adj)

constraint (n)

www.konkur.in

موقتی - خاص - موردی - بر حسب ضرورت

رو به روی هم - در برابر - نسبت به - در مقابل

مدرسین شریف

انستیتوت تخصصی ارشد و دکتری

سرانه - هر نفر

قطعه - تکه - بخش - قطعه قطعه کردن

رو به افزایش - فزاینده - متراکم - انباشتی

مسئولیت - تعهد - استعداد - مایه دردسر

نقض کردن - نادیده گرفتن - رد کردن

اجازه - تایید - تصویب - حمایت - مجاز شمردن

کشنده - وخیم - مهلک

الزام - اجبار - محدودیت - تظاهر - فشار

unanimity (n)

اتفاق نظر - اتفاق آرا - اجماع - وحدت نظر

sovereignty (n)

اقتدار - حاکمیت - فرمانروایی - استقلال

vogue (n)

مد - گرایش - محبوبیت - تمایل

laudable (adj)

قابل ستایش - درخور تحسین

stratum (n)

لایه - قشر - طبقه (اجتماعی)

disenchantment (n)

سرخوردگی - یاس

surge (n,v)

موج زدن - جوشیدن - افزایش ناگهانی

conceal (adj)

پوشاندن - مخفی کردن - کتمان کردن

commitment (n)

تعهد - قول - تخصیص - مشغله - حکم توقیف

uncover (n)

کشف کردن - پرده برداشتن از - باز کردن

issue (v,n)

formidable (adj)

sketchy (adj)

distinguish (v)

blame (v,n)

interpret (v)

coercion (n)

advocate (n,v)

prescribe (v)

impatient (adj)

www.konkur.in

صادر کردن - منتشر کردن - توزیع - موضوع

ترسناک - هولناک - قوی - شدید - فوق العاده

ناقص - دست و پا شکسته - سر دستی

تشخیص دادن - فرق گذاشتن - متمایز کردن

مقصر دانستن - سرزنش کردن - گناه - تقصیر

ترجمه کردن - تفسیر کردن - اجرا کردن

زور - فشار - زورگویی - اعمال زور

مدافع - طرفدار - وکیل مدافع - حمایت کردن از

تجویز کردن - تعیین کردن - توصیه کردن

بی صبر - بی حوصله - کم طاقت - بی صبرانه

impact (n,v)

بر خورد - تاثیر - نفوذ - تاثیر داشتن

inspiration (n)

الهام - فکر بکر

regretful (adj)

متاسف - غمگین - پشیمان

urgency (n)

اضطراب - نگرانی - تشویش

captivate (v)

مجنوب کردن - به دام انداختن - افسون کردن

disarray (n)

بی نظمی - آشفتگی - بهم ریختگی

submit (v)

تسلیم شدن - ارائه دادن - اطاعت کردن

dormant (adj)

خفته - غیر فعال - خواب زمستانی (حیوانات)

temporary (adj)

موقت - زودگذر - موقتی

vulnerable (adj)

آسیب پذیر - حساس - ضعیف

allot (v)

abide (v)

surmise (v,n)

scatter (n,v)

trait (n)

dimension (n)

ascribe (v)

bestow (v)

deposit (n,v)

defy (v)

www.konkur.in

اختصاص دادن - توزیع کردن - تقسیم کردن

ماندن - تحمل کردن - تاوان چیزی را دادن

گمان بردن - حدس زدن - حدس

پخش کردن - پراکنده شدن - معدود - تک و توک

ویژگی - خصوصیت - خصلت

بعد - اندازه - جنبه - وسعت

منتسب کردن - نسبت دادن

اعطا کردن - صرف کردن - وقف کاری کردن

سپرده - امانت - به حساب ریختن - واریز کردن

سرپیچی کردن از - نافرمانی کردن - تسلیم نشدن

verdict (n)

abandon (n,v)

hinder (v)

evade (v)

distress (n,v)

venomous (adj)

zealous (adj)

ancestral (adj)

relic (n)

forte (n)

www.konkur.in

رای - حکم - نظر - عقیده

ترک کردن - دست کشیدن از - بی خیالی

مانع شدن - مزاحم شدن - به تاخیر انداختن

طفره رفتن از - فرار کردن از - در رفتن

درد - افسردگی - خستگی - ناراحت کردن

سمی - زهر دار - کینه توزانه

مشتاق - علاقه مند - متعصب - افراطی

آبا و اجدادی - ابتدایی - اولیه

اثر - باقی مانده - یادگار

نقطه قوت - هنر - تخصص

reliance (n)

وابستگی - اتکا - اعتماد - اطمینان

inheritance (n)

ارث - میراث - وراثت

approximate (v)

نزدیک بودن - تخمین زدن - شباهت داشتن

extricate (v)

رها کردن - آزاد کردن - خلاصی بخشیدن

discard (v)

دور انداختن - کنار گذاشتن - دست کشیدن از

eminent (adj)

سرشناس - معروف - برجسته - زیاد

status (n)

وضعیت - مرتبه - مقام - رتبه

ambiguous (adj)

مبهم - گنگ - نامعین - نامعلوم

dilemma (n)

دو راهی - وضع دشوار

reckon (v)

حساب کردن - به حساب آوردن - گمان کردن

prior (n,adj)

قبلی - پیشین - مهتر - مقدم

scrap (n,v)

دور ریختن - باطل کردن - قراضه - دعوا

expedient (adj,n)

تدبیر - مصلحت - راه - چاره

pacify (v)

آرام کردن - ساکت کردن

erode (v)

فرسایش یافتن - ساییده شدن

revolve (v)

دور زدن - چرخیدن

ultimate (adj)

نهایی - بنیادی - برترین

premise (n,v)

فرض - مقدمه

praise (v)

تحسین کردن - تعریف کردن - ستایش (خدا)

boon (n)

مزیت - لطف - محبت

highlight (n,v)

circumvent (v)

allege (v)

cite (v)

emerge (v)

cajole (v)

reveal (v)

deserving (adj)

enthusiastic (adj)

competitive (adj)

www.konkur.in

برجسته ساختن - مهمترین بخش - اوج - فله

غلبه کردن بر - (چیزی را) دور زدن

ادعا کردن - متهم کردن

نقل کردن - مثال زدن - استناد کردن - تقدیر کردن

بیرون آمدن - ظاهر شدن - به وجود آمدن

فریب دادن - با چرب زبانی راضی کردن

نشان دادن - آشکار کردن - فاش ساختن

شایسته - سزاوار - مستحق

پر شور و شوق - مشتاق - پر حرارت - علاقه مند

رقابتی - مسابقه‌ای - جاه طلب - با صرفه (ارزان)

transparent (adj)
therapeutic (adj)
necessitate (v)
assiduous (adj)
gregarious (adj)
grumpy (adj)
prolific (adj)
barrier (n)
deflect (v)
provocative (adj)

www.konkur.in

شفاف - روشن - واضح - نازک

درمانی - شفابخش

ایجاب کردن - مستلزم (چیزی) بودن

سخت کوش - کوشا - پیگیر - جدی

اجتماعی - خونگرم

بدخلق - بداخلاق - عبوس

پرکار - فعال - فراوان - پربرکت - پرفرزند

سد - مانع - دیوار - محل بازرسی

منحرف کردن - منحرف کردن

تحریک آمیز - شهوت انگیز

عمل گرای - واقع بینی

pragmatism(n)

استعداد - آسانی - مزیت - مهارت

facility (n)

حق تقدم - اولویت - برتری - ضروری

priority (n,adj)

شبهه - همانند - هم تراز - قیاسی

analogous (adj)

اجباری - ضروری - مرسوم - همیشگی

obligatory (adj)

عجیب و غریب - باور نکردنی

bizarre (adj)

آموزشی - آموزنده - معلم وار

didactic (adj)

باور کردنی - قابل قبول - موثق - معتبر

credible (adj)

تردید - دودلی - شک - مکث - تعلل

hesitation (n)

کلنجار رفتن - بگو مگو کردن - داد و بیداد

squabble (v,n)

contradiction (n)
disposed (adj)
acclaim (n,v)
scold (n,v)
treat (n,v)
snore (n,v)
lie down (n)
disperse (v)
vanquish (v)
confront (v)

تناقض - مخالفت - انکار - اختلاف - نقض

مایل - علاقه مند - مستعد - تنظیم شده

کف زدن برای - هورا کشیدن - تحسین - تشویق

پرخاش کردن - سرزنش کردن - آدم بددهن

رسیدگی کردن به - معالجه کردن - هدیه

خر و پف - خرناس کشیدن - خرناس

چرت - استراحت کوتاه

متفرق کردن - پراکنده کردن - تجزیه کردن

شکست دادن - مغلوب کردن

مواجه شدن با - در مقابل (کسی/چیزی) قرار گرفتن

allude (v)

اشاره کردن به - به تلویحاً گفتن

disregard (n,v)

نادیده گرفتن - رعایت نکردن - بی احترامی

arbitrarily (adv)

دلبخواهی - تصادفی - به زور - خودسرانه

unequivocal (adj)

صریح - قاطع - خالی از ابهام

inured (adj)

به چیزی عادت کردن - با چیزی خو گرفتن

render (v)

انجام دادن - عرضه کردن - ترجمه کردن

affirmation (n)

تایید - تصریح - اثبات - اظهار

uniqueness (v)

منحصر به فرد - یکتایی - خصلت - بی نظیری

gratitude (n)

سپاسگزاری - قدردانی - تشکر

prejudice (v,n)

تعصب - تبعیض - طرفداری - مغرضانه - زیان

hazardous (adj)
aesthetic (adj)
superficial (adj)
antiquated (adj)
anticipation (n)
veracity (n)
infamy (n)
appease (v)
convict (v,n)
unbearable (adj)

خطرناک - اتفاقی - تصادف

هنرمندانه - هنری - هنرشناس

سطحی - مساحت - کم مایه - ظاهری - جزئی

کهنه - قدیمی - منسوخ - کهنه پرست

انتظار - پیش بینی - پیشدستی - سبقت

صداقت - راستی - راستگویی - صحت

بی آبرویی - بدنامی - پستی

آرام کردن - فرونشاندن - دلداری دادن - باج دادن

محکوم کردن - مجرم شناختن - مجرم - زندانی

غیر قابل تحمل - طاقت فرسا

commonplace (n)
marginal (adj)
trait (n)
discipline (v,n)
certainty (n)
reflect (v)
capture (v)
specify (v)
reckless (adj)
meticulous (adj)

عادی - معمولی - پیش پا افتاده

حاشیه ای - فرعی - مرزی - ناچیز - کم اهمیت

ویژگی - خصوصیت - خصلت

نظم - مجازات کردن - تربیت - نظم برقرار کردن

یقین - اطمینان - قطعیت

منعکس کردن - بازتابیدن - برگرداندن

ربودن - تصرف کردن - تسخیر - ضبط کردن

تعیین کردن - مشخص کردن - تصریح کردن

بی پروا - بی باک - بی اعتنا

دقیق - وسواسی - ترسو - کم رو

seize (v)

superstitious (adj)

anonymous (adj)

controversial (adj)

mundane (adj)

illusion (n)

abeyance (n)

annoyance (n)

fake (adj,v,n)

sceptic (n)

www.konkur.in

مصادره کردن - توقیف کردن - ضبط کردن

مدرسین شریف

رئیس فلرتانی ارشد و دکتری

خرافات - موهوم

بی نام - ناشناس - دارای نام مستعار

بحثبرانگیز - مباحثه‌ای - جدال آمیز

دنیوی - خاکی - این جهانی

فریب - گول - حيله - خیال باطل - توهم

تعلیق - بی تکلیفی - وقفه

دلخوری - اذیت کردن - آزار - ممانعت

جعلی - تقلید - وانمود کردن - پیچیدن

شکاک - بدبینی

غیر مرتبط - بی ربط - غیر ضروری

مدرسین شریف

ریاست: سرمدی اورنگ آباد

تسلیم شدن - سر سپردن

irrelevant (adj)

capitulate (v)

latent (adj)

پنهان - پوشیده - راکد - نهفته - ناپیدا

tender (adj)

لطیف - ارائه دادن - مناقصه و مزایده - حساس

impractical (adj)

غیر عملی - نشدنی

censure (v,n)

انتقاد - سرزنش کردن

vain (adj)

بیهوده - باطل - پوچ - مغرورانه

contempt (n)

تحقیر - اهانت - خواری - خفت

degrade (v)

تنزیل رتبه - تنزل کردن - پست کردن

collapse (v,n)

فروپاشی - فرو ریختن - متلاشی شدن

conflict (n,v)

waste (v,n,adj)

apex (n)

perennial (adj)

arbitrary (adj)

transient (adj)

homogeneous (adj)

compilation (n)

humiliate (v)

captivate (v)

www.konkur.in

درگیری - کشمکش - ناسازگار بودن - تضاد

افت - زباله - ضایع کردن - هدر - اتلاف - هرز

نوک - نقطه اوج - قله - راس زاویه - کاکل

ابدی - دائمی - همیشگی - جاودانه - همه ساله

استبدادی - دلخواهی - اختیاری - قراردادی

زودگذر - در حال انتقال - گذرا - کوتاه

همگن - متجانس - یکجور - مشابه

گردآوری - ترجمه - تالیف - تلفیق

تحقیر کردن - اهانت کردن به - جریحه دار کردن

اسیر کردن - شیفتن - فریفتن